

بررسی تاثیر معماری و شهر سازی در میزان وقوع جرم در شهرستان بندر عباس

عبدالله حیدری

کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران

abdolla.hydari@gmail.com:emil

چکیده

همواره از محیط و عناصر آن رنگ، نور، ارتفاع و ... برای تاثیر گذاری بر رفتار انسانی استفاده شده است. تاثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از قدیم الایام از محیط برای تاثیر گذاری بر رفتار انسانها استفاده شده است. این موضوع یکی از موضوعات مورد علاقه فلاسفه نیز بوده است. برای مثال تمام کسانی که به بحث درباره آرمان شهر و مدینه فاضله پرداخته اند به اصول و روشهایی اشاره کرده اند که بر شکل دادن به محیط و متقابلا بر رفتارهای جمعی و فردی تاثیر داشته اند. صاحب نظران مختلف به تاثیر محیط بر انسان اشاره کرده اند؛ از جمله ابن خلدون شرایط محیط طبیعی و "محیط ساخته شده" را توأمان در روند زندگی بشر و تحولات فرهنگی اخلاقی و رفتاری موثر می داند. الگویی نیز که در خصوص رابطه‌ی انسانی و محیط ارائه می‌شد بر همین الگو مبتنی برود این الگو که مبتنی بر جبرگرایی محیطی بود، بر مبنای مدل محرک و پاسخ قرار گرفته بود؛ بدین معنا که محیط طبیعی و مصنوع، محرک بوده و انسان پاسخی از پیش تعیین شده به این محرکها می‌دهد. نظریات موجود در خصوص ارتباط انسان و محیط را می‌توان به سه دسته‌ی "جبرگرایی محیطی" انسان به مانند موجودی بی‌اختیار، "امکان‌گرایی محیطی" و "احتمال‌گرایی محیطی" تقسیم‌بندی کرد.

کلیدواژه‌ها: معماری؛ ارتکاب جرم؛ پیشگیری محیطی.

مقدمه

مبحث اول - مفهوم جغرافیای بزهکاری

توجه به ارتباط بین محیط مسکونی و ساختار شهرها و افزایش ایمنی آن از طریق بهبود در طراحی محیط مقوله ای است که در بسیاری از کشورها توجه لازم به آن نشده است. در واقع زمانی که صحبت از استانداردهای شهرسازی و معماری می شود، معماران و شهرسازان به دنبال راه حل های فنی و مصالح لازم در بالا بردن استحکام فیزیکی آن می گردند و یا حداکثر جلوه های ظاهری و داخلی نماها مورد توجه قرار می گیرد. محیط می تواند بر رفتار به صورت عام مؤثر باشد و از این طریق تأثیر غیر مستقیم بر وقوع جرم خواهد داشت. شناسایی مکان های متعدد برای ارتکاب بزه در شهرها و تلاش برای پیشگیری و کاهش میزان جرم، اهمیت بسزایی در مقطع کنونی دارد. بسیار اتفاق می افتد که مجرم از یک نقطه خاص می گذرد ولی مطمئناً به دنبال نقطه مناسب دیگری جهت انجام فعل مجرمانه خود می رود به مکانی که امکان وقوع جرم مورد نظر وی با خطرات و هزینه پایین تری وجود داشته باشد که به این امر جابجایی می گویند، بنابراین تصمیم به ارتکاب بسیاری از جرایم یک تصمیم کور نیست بلکه تا حد زیادی به شرایط و موانع اطراف بستگی دارد. وقوع جرم علاوه بر بزهکار و بزه دیده به مکان وقوع جرم نیز نیاز دارد. از آنجا که عوامل محیطی باعث ایجاد انگیزه، رغبت، کشش و قصد مجرمانه در فرد می شوند طراحی صحیح معماری جهت پیشگیری از جرم یکی از راه حل های ضروری می باشد (پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، محمدرضا رحمت، ۱۳۸۸).

رفتار انسان در فضا و مکان های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن متفاوت بوده و در بسیاری موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار خاص می باشد به همین دلیل در مکان های خاصی جرم و جنایت بیشتر بوده و از این مکان ها به عنوان نقاط جرم خیز شهری یاد می شود. بی اف اسکینر استاد دانشگاه معروف هاروارد از برجسته ترین رفتار گرایان معاصر به شمار می رود. او علل رفتار آدمی را در محیط او جستجو می کند. اسکینر برای حل مشکلات انسان، تکنولوژی رفتار را پیشنهاد می کند و به روایت او تکنولوژی رفتار علمی است که به کنترل و نظارت بر محیط چشم دوخته است و به جای آنکه در صدد تغییر انسان باشد دگرگون کردن محیط را در راه هدف های مورد نیاز اجتماع دنبال می کند. طبق نظریات رفتارگرایان این عوامل خارجی است که انسان را از هر جهت تحت کنترل دارند. اسکینر می گوید مردم در جاهای مختلف به شیوه غیر معمول با یکدیگر فرق دارند و این تفاوت احتمالاً ناشی از متفاوت بودن محل زندگی آن هاست (شکویی، ۱۳۸۸: ۱۱۵ و ۱۱۶).

تئوری های جامعه شناسی جنایی را براساس واحد تحلیل می توان به دو رویکرد کلی تقسیم نمود. این تقسیم بندی برپایه تمایزی که هیرشی و گاتفردسون (۱۹۸۶) بین جرم و بزهکاری قائل شدند بنا شده است. آن دو معتقدند که جرم به حوادث و وقایعی گفته می شود که برای وقوع به مجموعه ای از شرایط و اسباب مثل فعالیت، فرصت و بزه دیده نیاز دارد. در صورتی که بزهکاری به تفاوت های ایستا و ثابت بین افراد در تمایل به اعمال مجرمانه اطلاق می گردد. به نظر آن ها با این که بزهکاری شرط ضروری وقوع جرم می باشد، اما کافی نیست؛ چرا که جرم به عوامل وضعی مثل فرصت نیز نیاز دارد (ایربال، ۱۹۹۳). اولین رویکرد در مطالعه جرم به فرد، انگیزه ها، تمایلات ذهنی، ویژگی های شخصیتی، زمینه خانوادگی و تعلق گروهی مجرم توجه دارد و به عبارت دیگر بزهکاری را مورد تاکید قرار می دهد. توجه به بزهکاری در بررسی جرم به اعمال تبیین هایتاریخی و گذشته نگر در مورد مجرم گرایش داشته و به بررسی سوابق قبلی او در ارتکاب جرم می پردازد. مرتون و ساترلند از اندیشمندان برجسته این رویکرد محسوب می شوند.

در رویکرد دوم، جرم بیش از بزهکاری مورد تاکید واقع شده که در آن زمینه عینی وقوع جرم و عوامل وضعی و فرصت هایی که باعث وقوع جرم می گردد، بیش از عوامل ریشه ای جرم مانند فقر و بیکاری مورد توجه می باشد (ناسنرو و همکاران، ۱۹۹۸).

مکان، محیط جغرافیایی، خصوصیات فیزیکی محیط، معماری و طراحی فضاها و به طور کلی زمینه های موقعیتی می توانند به عنوان متغیرهای تاثیرگذار در رویکرد دوم مطرح شوند. تاکید بر مکان در تئوری های جرم شناختی کاستی های ناشی از تاکید بر

انگیزه‌های مجرمانه‌ها در شناخت و تبیین جرم جبران می‌کند (ناسلف و همکاران، ۱۹۷۹) علاوه بر این، رویکرد دوم نسبت به رویکرد اول، پیشگیری جرم از طریق سامان‌دهی و بهبود مکان و کاهش جاذبه‌های مجرمانه‌ها به صورت گسترده‌تری مورد توجه قرار داده است. بر ایناساس در مطالعه حاضر، بررسی جرم با رویکرد موقعیتی و مکانی انجام گرفته و برویژگی‌های مکانی، فیزیکی و محیطی مؤثر بر جرم تأکید گردیده است.

رونالد جانستون جغرافیدان معروف انگلیسی می‌گوید: رفتار انسان تحت تأثیر یا محدودیت‌های چهار محیط قرار می‌گیرد و در داخل این محیط‌ها نظام می‌یابد: محیط طبیعی، اجتماعی، انسان‌ساخت و فضایی. محیط فیزیکی هم محیط طبیعی و هم محیط انسان‌ساخت را در بر می‌گیرد. اقلیم، شرایط فیزیکی محله، مسکن، تراکم افراد در اتاق و مسکن، زیبایی و زشتی محیط زندگی هر یک به نحوی رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۸) چنین به نظر می‌رسد میان محیط ادراکی که رفتار واقعی از آن منشاء می‌گیرد و محیط فیزیکی رابطه‌ای برقرار می‌باشد. از این دیدگاه فضا دارای ویژگی دو سویه خواهد بود: محیط عینی و برون ذاتی و محیط ذهنی و درون ذاتی (شکویی، ۱۳۸۸) تصمیم‌گیری‌های مردم در محیط‌های جغرافیایی صورت می‌گیرد. این امر بعد از ارزیابی از چند انتخاب عملی می‌شود. یعنی مردم آنچه را که به رضایت خاطر آن‌ها می‌انجامد انتخاب می‌کنند. جغرافیدانان فرایندی که در آن ارزیابی انتخاب‌ها و جایگزینی‌ها صورت می‌گیرد را کوش فضایی می‌گویند. هر تصمیم‌گیرنده با میزان قابل دسترسی، محدودیت‌ها، موانع و شرایطی روبرو می‌باشد که در کیفیت آزادی در عمل تصمیم‌گیرنده مؤثر می‌افتد (شکویی، ۱۳۸۸)

فضای شهری و ساکنان شهرها با هم در ارتباط متقابل هستند و از هم تأثیر می‌پذیرند. انسان از طریق روابط اجتماعی - فرهنگی به فضا، فرم و عملکرد و اهمیت می‌بخشد و ساماندهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می‌انجامد. بنابراین ساخت و طراحی فضاهای شهری بر فرایند زندگی اجتماعی تأثیر گذاشته و می‌بایست از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشد. خوانایی یک شهر از طریق ابزار کالبدی آشکارتر می‌شود و به میزانی که یک کالبد بتواند با شهروندان خود از طریق ویژگی‌های کالبدی ارتباط نمادین ایجاد کند خوانا یا ناخوانا خواهد بود. وقتی فضا خواناست به احساس راحتی و امنیت کمک می‌کند و برعکس هنگامی که علایم راهنما وجود ندارد و فضا گیج‌کننده است احساس امنیت از بین می‌رود. (راس، ۲۰۰۵)

در سال ۱۹۶۰ یکی از اساسی‌ترین تحقیقات در زمینه نقشه‌های شناختی در زمینه تأثیرگذاری نقشه‌های شناختی به وسیله کوین لینچ استاد معماری و شهرسازی آمریکا صورت گرفت. در این تحقیق لینچ پنج عامل عمده سیمای شهر را در تهیه نقشه شناختی و یا خوانایی شهر به کار می‌گیرد که عبارتند از: مسیرها (خیابان‌ها، خطوط آهن و پیاده‌روها (به عنوان عوامل مسلط شهری، کناره‌ها: مرز میان بخش‌های مختلف چشم‌اندازهای شهری، مناطق داخلی شهرها: حوزه‌های متمایزکننده فضای شهری، گره‌ها یا نقاط استراتژیک: فعال‌ترین نقاط اجتماعی - اقتصادی شهرها و علائم برجسته یا سمبلیک که به جهت یابی کمک می‌کنند). (شکویی، ۱۳۸۸)

خانم جیکوبز می‌گوید: عواملی چون مکان‌های پر نور و پر رفت و آمد که دارای چشمان مراقب بوده و مشارکت مردم در آن زیاد باشد و پیاده‌روهای آن، به حد کافی وسیع و بزرگ باشند، در شکل‌گیری محیط شهری امن مؤثر هستند و برای خیابان‌های شهر تنوع کاربری را پیشنهاد می‌کند (کلانتری، ۳۱:۱۳۸۰).

انواع فضاهای شهری، کاربری و کارکرد شهر در بروز جرم یا پیشگیری از آن مؤثرند، برخی از فضاهای شهری مستعد و تسهیل‌کننده بزهکاری و برخی دیگر مانع و بازدارنده آن هستند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹).
بررسی‌های جغرافیایی بزهکاری در شهرها به یکی از دو روش تحلیلی زیر انجام می‌گیرد:

گفتار اول - تحلیل همبستگی

در این شیوه تحلیل رابطه اعمال مجرمانه با برخی مشخصه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر سنجیده می‌شود. این شیوه نخستین بار در سال ۱۹۴۲ به وسیله «شاو» و «مک کی» در بررسی جرایم شهری به کار گرفته شد. آنها دریافتند در آن قسمت از محدوده‌های شهر که نابسامانی‌های اجتماعی چون میزان فقر، تحرکات جمعیتی و ناهمگونی

ساکنین بیشتر است میزان جرایم نیز بالاست. بنابراین در تحلیل فوق مشخصه های فردی و اجتماعی جامعه از جمله متغیرهای سن، جنس، قومیت، نژاد، سطح درآمد، تحصیلات و شغل و برخی ویژگی های کالبدی چون تراکم جمعیت، کیفیت و نوع مسکن، میزان اجاره نشینی در رابطه با نوع و میزان جرایم بررسی می شود. بدین ترتیب تطبیق و مقایسه سطح جرایم در محدوده های مختلف شهر امکان پذیر می گردد. از جمله کسانی که این شیوه تحلیل را برای بررسی جغرافیا و جرم برگزیده اند می توان به «بایرن»، «سامسون»، «۱۹۸۶»، «برسیک» و «گراسمیک ۱۹۹۳»، «رایز» «تونری ۱۹۸۶» و «اسکوگانی» در سال ۱۹۹۰ اشاره نمود.

گفتار دوم - تحلیل فرصت های جرم

این روش نخستین بار توسط «جفری» در سال ۱۹۷۱۲ و سپس به وسیله «هریس» در سال ۱۹۷۳ به کار گرفته شد. اساس این شیوه بر تحلیل عوامل مستقیم و شرایط مکانی موثر در جرایم شهری نهاده شده است. به عبارت دیگر مشخصه های مکانی که در اندیشه یک مجرم بالقوه مناسب و مفید برای ارتکاب جرم تشخیص داده می شود مورد تحلیل قرار می گیرد. به نظر می رسد یک مجرم در برخورد با مکان همیشه با این پرسش ها روبروست:

اینجا چه امکانات و تسهیلاتی برای ارتکاب جرم دارد؟ در این مکان چه اهداف مجرمانه ای را می توان دنبال نمود؟ چگونه می توان پس از ارتکاب جرم خیلی سریع از صحنه جرم فرار کرد؟ با استفاده از روش فرصت های جرم و بررسی شرایط مکانی و الگوهای فضایی که موجب افزایش احتمال ارتکاب جرم در سطح شهری می شوند می توان مکان های مستعد وقوع جرم را مشخص نمود. نظریه هاتی فعالیت روزمره، انتخاب منطقی، جرم شناسی محیطی برپایه روش تحلیل فرصت های جرم شکل گرفته و توسعه یافته اند.

مفهوم امنیت

امنیت و به طور اخص امنیت اجتماعی، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و ساز شهری دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تامین کننده ی امنیت و فضای نامناسب زمینه ساز انواع آسیب ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی دفاع، محلات ناامن همه و همه از عوامل تهدید کننده ی امنیت شهری و اجتماعی هستند. امنیت پایدار شهری با توجه به پیچیدگی محیط شهری تلفیقی از سه بعد امنیت می باشد. همچنین در بین رویکردهای مختلف پیشگیری از جرایم شهری، برنامه ریزی و طراحی محیطی (شهرسازی) تاثیر چشم گیری داشته و همکاری و هماهنگی با سایر نهادهای تامین کننده محیط شهری میتواند زمینه های تامین امنیت پایدار شهری را به دنبال داشته باشد. نتایج گسترش مطالعات در زمینه ی معماری و شهرسازی نظیر کنفرانس لندن، تجربه تورنتو و تجربه مدیریت مرکز شهر برای ایجاد امنیت در لندن، نشان داده است که راه غلبه بر جو ترس مردم و استفاده بیشتر آنان از محیط های عمومی شهری، بهبود الگوهای طراحی، برنامه ریزی و مدیریت فضاهای عمومی است. به نحوی که این فضاها به خوبی درک شده و قابل دید و دسترس باشند و در عین حال توسط بخش بزرگی از جمعیت جامعه بدون داشتن ترس و واکنش به خوبی استفاده شوند. اینگونه طراحی سبب تقویت دو نوع از رفتارهای اجتماعی قلمروگرایی و نظارت طبیعی می شود. حس قلمروگرایی تبدیل به مسئولیتی برای ساکنان در جهت تبدیل محله به فضایی امن می شود. افزایش حس امنیت ساکنان در محل زندگی یا کار آنان به تشویق مردم به کنترل و نظارت بر محله خود منجر شده و نهایتا حس مالکیت و حس تعلق ساکنین را افزایش خواهد داد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۷). (احساس مالکیت و حس تعلق ساکنین سبب افزایش آرامش و آسایش نسبی که ناشی از امنیت پایدار شهری است را به دنبال خواهد داشت).

الف: امنیت و ابعاد آن

مفهوم امنیت در فرهنگ های لغت، در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی و مادی)، احساس آزادی از ترس و احساس ایمنی (ذهنی و روانی) و رهایی از تردید و اعتماد به دریافت های شخصی می باشد (عمید، ۱۳۵۴: ۴۴) عبارتت یافته "امنیت" به مفهوم رفع تهدیدات خطر، ترس و تردید و احساس ایمنی و آرامش تعریف مبهمی می باشد که بیشتر مناسب سطح فردی است و علاوه بر این امنیت و احساس امنیت، دو مقوله در هم تنیده، ولی جدا از هم هستند، چرا که

ممکن است امنیت در واقعیت وجود داشته باشد ولیکن، امنیت واقعی وجود نداشته باشد) افتخاری (۱۵: ۱۳۸۰) امنیت و ایمنی در سلسله مراتب نیازهای انسانی مرتبه ای بالاتر از نیازهای زیستی همچون خوراک، پوشاک، مسکن و جز اینها را به خود اختصاص می دهد. به عبارت دیگر، اولین و اساسی ترین نیاز انسانی هر فرد امنیت می باشد) علی آبادی (۴: ۱۳۸۱) مکاتب امنیتی بر اساس اصول جامعه شناسی به سه دسته عمده و اساسی پوزیتویست، سازه انگاران و مکاتب پست پوزیتویسم تقسیم شده اند) عبدالله خانی (۴: ۱۳۸۳: که به ترتیب بر امنیت وجودی، امنیت رفاهی و امنیت معنا بخش تاکید دارند) سیف زاده (۱۵: ۱۳۸۳) این مکاتب دارای صاحب نظران متعدد با چشم اندازهای نظری مخصوص به خود هستند که در عین داشتن اصول موضوعه مشترک تفاوت هایی نیز با یکدیگر دارند. اما در مقاله حاضر، مجال پرداختن به تمامی آنان نیست. بنابراین به تعدادی از اصولی که موجب تمایز بین این سه مکتب عمده است، اشاره می رود.

ب: عوامل بروز ناامنی

به طور کلی دو عامل طبیعی و انسانی در ایجاد ناامنی دخیل هستند. عواملی مانند سیل و زلزله قابل پیشگیری نیستند لذا از وقوع عامل طبیعی نمی توان جلوگیری کرد اما با برنامه ریزی صحیح می توان از آثار مخرب آن مربوط به فقدان احساس ایمنی است، تا حد زیادی جلوگیری کرد. جلوه اصلی مدیریت عوامل طبیعی در پیش بینی سازوکارهای مناسب در حوزه شهرسازی و قوانین مربوط است. در این خصوص آیین نامه مقاومت سازی ساختمان ها در برابر زلزله مصوب ۱۳۶۹ و بویژه آیین نامه ساختمان ها در برابر زلزله مصوب ۱۳۷۸ هیات وزیران، ضوابط طراحی استاندارد ساختمان ها را به صورت مشروح پیش بینی کرده است نهادهایی چون شهرداری ها، سازمان نظام مهندسی ساختمان و شورای عالی شهرسازی و معماری و معماری مهمترین دست اندرکاران اجرا و نظارت در این حوزه هستند. عامل انسانی جایگاهی مهمتر و نقشی بیشتر در بروز ناامنی دارد. زیرا این عامل از خصیصه پایداری و همیشگی بودن برخوردار است، لذا شهروندان به طور روزمره با آثار آن مواجه می شوند. امروزه رفتارهای مجرمان آیین نامه تمام نمای تهدید امنیت جامعه هستند. توجه به ویژگی ها، انواع، شرایط و میزان ارتکاب جرایم در حوزه های شهری و راه های پیشگیری از ارتکاب آنها، موضوع توجه مطالعات شهرسازی، برنامه ریزی شهری و جامعه شناسی جزایی و جرم شناسی است.

گفتار چهارم - مولفه های محیطی موثر بر ارتکاب جرم

علاوه بر عوامل فردی و اجتماعی ارتکاب جرم مانند فقر و نیازمندی های اقتصادی، اعتیاد، بیکاری، بیماری های روانی، تاثیر دوستان ناباب، انتقام، حرص و طمع، و... مولفه های محیطی در انتخاب مناطق برای ارتکاب جرم تاثیر دارند. اگر چه مجرمین در ارتکاب جرم از تکنیک های اجرایی و شیوه های متفاوت استفاده می کنند. برخی ویژگی ها در مناطق آنها را برای فعالیت مجرمانه جذاب و مطلوب می سازد. مجرمین در پاسخ به این سوال که بیشتر چه مناطقی را به چه ویژگی هایی انتخاب می کنند، پاسخ های مشابه داده و بر این اساس مناطق عموماً از دو جهت مورد انتخاب واقع می شوند.

بر مبنای یافته های مطالعاتی دو عامل "امکان دید" و "تجهیزات و ابزارهای امنیتی" در انتخاب محل ارتکاب جرم موثرند.

• امکان رویت و مشاهده فعالیت های مجرمانه؛ میزان و احتمال رویت و مشاهده فعالیت مجرمانه به وسیله شهروندان، اعم از کسانی است که در یک منطقه زندگی می کنند، به کار مشغولند، و یا در منطقه تردد و رفت و آمد می کنند، می تواند امکان رویت و کشف جرم را افزایش یا کاهش دهد. طراحی شهری و موقعیت ساختمان ها و خیابان ها و کوچه ها، نوع ساختمان (ویلا، آپارتمانی، واحدهای انبوه)، طرز طراحی و نصب و موقعیت دربها و پنجره ها در ساختمان ها، میزان تردد و شلوغی خیابان ها و کوچه ها، میزان نور و روشنایی در شب، نوع خیابان یا کوچه) از لحاظ عرض، طول، وضعیت پیاده روها، بن بست بودن یا راه داشتن به خیابان اصلی، طرز قرار گرفتن ساختمان ها نسبت به یکدیگر، وجود کوچه های باریک که ورود به پشت ساختمان را میسر می سازد، و... همه در افزایش امکان رویت فعالیت های مجرمانه موثر است. عوامل مذکور به مجرم حکم می کند که منطقه و مکانی را برای ارتکاب جرم انتخاب نماید که امکان مشاهده جرم را به حداقل برساند. بدین ترتیب هرچه موانع دید در یک منطقه کمتر باشد، کشف جرائم علیه اموال مانند انواع سرقت (از منزل، از مغازه، وسائط نقلیه)، کیف قاپی؛ جرائم علیه اشخاص مانند تعرض و حمله به دیگران، ضرب و شتم، قتل، تجاوز به عنف؛ و جرائمی مانند خرید و فروش

مواد مخدر، فساد و فحشاء و... را تسهیل می نماید. علاوه بر عوامل فوق امکان کشف جرم با میزان وجود عوامل طبیعی مانند درخت ها، انبوه گیاهان، و سایر ساختارهای مصنوعی مانند مجسمه ها، سطل های شهرداری، و سایر موارد مانند میزان وسائط نقلیه پارک شده در کنار خیابان قابل ارزیابی می باشد. تصمیم به ارتکاب جرم توسط مجرم احتمالی، زمانی اتخاذ می شود که عمده شرایط و عوامل مستعد ارتکاب یک جرم موفقیت آمیز موجود بوده و امکان کشف و دستگیری مجرم کم باشد، در غیر این صورت جرمی محقق نخواهد شد.

• تجهیزات و ابزارهای امنیتی فیزیکی مورد استفاده؛ عواملی مانند استحکام دربها و پنجره ها، نصب دزدگیر، حضور نیروهای انتظامی و امنیتی در منطقه، می تواند در پیشگیری از برخی جرائم مانند سرقت از منازل و یا مغازه ها و واحدهای تجاری موثر باشد. سارقین در انتخاب مکان و موضوع سرقت، به دنبال ورود و خروج سهل و آسان بوده، و از ورود به ساختمان ها یا واحدهایی که مجهز به دستگاههای امنیتی و یا مجهز به تلویزیون های مدار بسته باشد، به دلیل ریسک دستگیری، اجتناب می ورزند.

• با توجه به مولفه های مذکور که در ارتکاب جرم موثرند، می توان سه اقدام ذیل را در پیشگیری از جرم موثر اعلام نمود: (۱) توسعه شهری و تحول در جهت ارتقاء ایمنی شهری، (۲) افزایش امکان رویت فعالیت های مجرمانه، و (۳) نصب و طراحی دستگاههای افزایش دهنده امنیت فیزیکی.

انحراف، کژ رفتاری، جرم و جنایت سابقه دیرینه ای در زندگی بشر و تاریخی به قدمتاریخ بشری دارد و واقعیتی است غیر قابل احتراز که هیچ جامعه ای از آن در امان نمی باشد. آدمی از گذشته دور بطور مرتب در فکر مقابله با جرائم و انحرافات بوده و در این زمینه دستاوردهایی نیز داشته است و به تناسب افزایش جرم و جنایت به اتخاذ انواع تدابیر پیشگیرانه-هرچند از نوع کیفی-رومی آورده است. امروز انسان پس از گذر از دوره های مختلف از نظر حقوقی و قضایی و تجربه و آزمون مکاتب مختلف جزایی، به فکر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از نوع غیر کیفی آن است.

نرخ سریع رشد جمعیت شهری توانایی دولت ها را در تأمین خدمات اولیه از یک طرف و جلوگیری از معضلات و آسیب های اجتماعی از طرف دیگر محدود می سازد. اغلب توانایی دولت ها منجر به بروز مسایل و مشکلات گوناگونی مانند فقر، بیکاری، بی سرپناهی، آلودگی محیط زیست، خشونت، جنایت و جرم شده است. در این روند آنچه بصورت یک حقیقت ناخوشایند در محیط شهری رخ می نماید، گسترش بیش از پیش جرم و جنایت است. اگر ما به این واقعیت اجتماعی اشاره نماییم که بزهکاری، فقر و بیکاری پایایی هستند که گریبان جوامع را گرفته اند؛ بزهکاری شهری بالاخص نوع خشونت آمیز آن امروزه تأثیر منفی در توسعه انسانی و اجتماعی و اقتصادی داشته است، بطوری که دولت ها را به چاره اندیشی فراخوانده است. کشورهای توسعه یافته، گرچه در زمینه فقر و بیکاری جهل توانسته اند به پیشرفت های خوبی نائل شوند، اما در زمینه بزهکاری، حرکت ها بسیار کند بوده است. برای مثال در کشور فرانسه طی ۲۰ سال از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۴ میلادی، جرم جنایت ۵ برابر افزایش یافته است.

هنگامی که تلاش می کنیم عدالت را درک کنیم، لازم است تا نخست به جرم و سپس به مجرم توجه داشته باشیم، برای پیشگیری از جرم ما باید بفهمیم چه عواملی مجرم را تشویق کرده، چه فرصت هایی در دسترس او بوده اند و چه شرایطی او را وادار به ارتکاب جرم کرده است؟

بنابراین در برنامه های پیشگیرانه باید همزمان، موضوعات از سه بعد مورد بررسی قرار گیرند، این سه بعد عبارتند از: نوع جرم، مجرم و محیط فیزیکی-اجتماعی پیرامون او.

محیط ساخته شده بر رفتار انسان تاثیرگذار است. از سوی دیگر، محیط می تواند با ایجاد فرصت برای ارتکاب جرم، مجرم را تشویق به ارتکاب جرم نماید و از طرف دیگر می تواند با افزایش قابلیت نظارت ساکنان بر محیط از وقوع جرم پیشگیری کند. نظریه CPTED بر این ادعا استوار است که می توان با طراحی درست و کاربری مناسب از فضا علاوه بر تاثیر مثبت بر کیفیت زندگی، از وقوع جرم هم پیشگیری کرد. این نظریه، با توجه به شش عنصری که می توان برای آن برشمرد، به دنبال این است که با بالا بردن احساس تعلق به مکان، تکفیک میان فضاهای عمومی و خصوصی، افزایش رویت پذیری و نظارت، سخت

کردن آماج جرم و محدود کردن دسترسی، فرصت‌های مجرمانه را کاهش دهد؛ فرصت‌هایی که در رهیافت مکانیکی در پیشگیری از جرم علت اصلی وقوع جرم محسوب می‌شوند. البته این نظر مدعی این نیست که پادزهر تمام جرایم است و می‌تواند به‌طور کلی جرم را ریشه‌کن کند. بلکه این

نظریه، در قالب بخشی از یک سیاست جامع پیشگیری و در کنار اجرای سایر راهبردهای پیشگیری از جرم، می‌تواند از اثربخشی مطلوبی برخوردار باشد.

همواره از محیط و عناصر آن (رنگ، نور، ارتفاع و...) برای تاثیرگذاری بر رفتار انسانی استفاده شده است. تاثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از قدیم الایام از محیط برای تاثیرگذاری بر رفتار انسان‌ها استفاده شده است. این موضوع یکی از موضوعات مورد علاقه فلاسفه نیز بوده است. برای مثال تمام کسانی که به بحث درباره آرمان شهر و مدینه‌ی فاضله پرداخته‌اند به اصول و روش‌هایی اشاره کرده‌اند که بر شکل دادن به محیط و متقابل بر رفتارهای جمعی و فردی تاثیر داشته‌اند. صاحب‌نظران مختلف به تاثیر محیط بر انسان اشاره کرده‌اند؛ از جمله ابن خلدون شرایط محیط طبیعی و "محیط ساخته شده" را توأمان در روند زندگی بشر و تحولات فرهنگی اخلاقی و رفتاری موثر می‌داند. وی مردمان مناطق معتدل را کامل‌تر و هنرمندتر دانسته و آنها را از کجروی و انحراف دور می‌داند. علاوه بر وی، منتسکیو نیز به تاثیر شرایط اقلیمی و محیط طبیعی اشاره کرده است. شاید این فرایند تاثیرگذاری را بتوان از طریق احساس "هویت" یا "این همانی" انسان با محیط تفسیر کرد. به عبارت دیگر، انسان هویت خویش را در هویت محیط جستجو می‌کند و هویت محیط را هویت خویش می‌پندارد و سعی در استحاله‌ی مختصات هویتی خویش به سمت کسب مختصات هویت محیط می‌نماید. تا دوران معاصر به دلیل محدودیت‌های مفهوم انسان در نظریه‌های طراحی، که صرفاً انسان از دید فیزیولوژیک مورد بررسی قرار می‌گرفت، الگویی نیز که در خصوص رابطه‌ی انسانی و محیط ارائه می‌شد بر همین الگو مبتنی برود این الگو که مبتنی بر جبرگرایی محیطی بود، بر مبنای مدل محرک و پاسخ قرار گرفته بود؛ بدین معنا که محیط طبیعی و مصنوع، محرک بوده و انسان پاسخ‌هایی از پیش تعیین شده به این محرک‌ها می‌دهد. البته نظریات موجود در خصوص ارتباط انسان و محیط را می‌توان به سه دسته‌ی "جبرگرایی محیطی" (انسان به مانند موجودی بی‌اختیار)، "امکان‌گرایی محیطی" و "احتمال‌گرایی محیطی" تقسیم‌بندی کرد.

در کنار سایر رهیافت‌های پیشگیری از جرم که بیشتر به دنبال تغییر شخصیت و از بین بردن زمینه‌ها و علل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جرم بوده‌اند، رهیافت مکانیکی (وضع‌ی و در این رابطه می‌توان مثال‌های زیادی را برشمرد. برای مثال اولین کاری که انسان‌های اولیه به هنگام ورود به غار انجام می‌دادند، تمییز کردن اطراف غار و تزئین یا نقاشی محیط داخلی غار بود. این کار پیامی را به رهگذران مبنی بر اینکه این فضا دارای مالک است و با سایر فضاها فرق دارد و در نتیجه باید به آن احترام گذاشت، منتقل می‌کرد. در مورد تاثیرگذاری سایر عناصر محیطی (مانند نور یا ارتفاع و غیره) مثال‌های فراوانی وجود دارد. امروزه نیز در طراحی رستوران‌های غذاهای آماده و فوری می‌توان نقش طراحی محیطی را بر کنترل رفتار فرد مشاهده کرد.

در پیشگیری از جرم به یکی از دیدگاه‌های غالب در زمینه‌ی پیشگیری از جرم تبدیل شده است. در کنار نظریه پیشگیری وضعی، نظریه‌ی دیگر مطرح شده است که به "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" معروف است. این دیدگاه از لحاظ مبانی نظری تا حدودی شبیه نظریه پیشگیری وضعی است ولی در قلمرو و کاربرد محدودتر از آن است. نظریه CPTED بر این ادعا استوار است که می‌توان "با طراحی مناسب و کابری موثر از محیط از ارتکاب جرم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه کرد." این نظریه هدف و تمرکز خود را بر "محیط ساخته شده" و جرایم مرتبط و شایع در مناطق مسکونی مانند، دیوار نویسی، تخریب و سرقت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند موجب بهبود نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند، فرصت‌های مجرمانه کاهش خواهد یافت و مجرمان از ارتکاب جرم باز خواهند ماند. زیرا در معامله‌ی عقلانی مجرم، میزان تلاش و خطر ارتکاب جرم (هزینه بیشتر از منافع حاصل از جرم) سود (خواهد بود. این دیدگاه نسبت به سایر

انواع پیشگیری‌ها) به قول کوسن (این مزیت را دارد که "تغییر وضعیت بسیار ساده‌تر از تغییر شخصیت فرد است. ساختمان‌ها، خیابان‌ها، فضاهای سرباز و پارک‌ها صرفاً فضاهایی نیستند که جرم در آنجا روی می‌دهد، بلکه ساختار و طراحی فضا می‌تواند موجب پیشگیری و بازدارندگی از فعالیت‌های مجرمانه شده و امنیت شهری را بهبود بخشد. این دیدگاه در برگزیده‌ی تحلیل‌های دقیق وضعی از جرم است که به دنبال یافتن وضعیت‌ها و شرایطی است که می‌توانند فرصت‌های مجرمانه ایجاد کنند.

شاید در این میان بتوان گفت که نقش و تاثیرگذاری محیط بر جرم از ابتدا زیاد مورد توجه واقع نشده بود. البته اگر به این مسئله هم پرداخته شده باشد بیشتر این رویکردها جبرگرایانه بوده و بیشتر بر تاثیرگذاری محیط جغرافیایی و طبیعی بر جرم پرداخته شده است و بحثی پیرامون تاثیر محیط فیزیکی و ساخته شده بر رفتار مطرح نبوده است.

تلاش در جهت پیشگیری از جرایم، منحصراً در حوزه اختیارات قوه قضائیه نبوده و سایر دستگاه‌های دولتی از جمله شهرداری ها، مدیریت جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، آموزش و پرورش، تربیت بدنی و ... بعنوان نهادهای دولتی ذی‌مدخل در امر مدیریت شهری می‌توانند نقش موثر و سازنده ای را ایفاء نمایند. عملکرد شهرداری ها در ساماندهی مناطق حاشیه نشین شهرها و برنامه ریزی در جهت پیشگیری از تشکیل اینگونه محلات، موجب جلوگیری از تجمع بخش اعظمی از مجرمین و عدم ظهور قابلیت های فردی مجرمین بالقوه در نتیجه اثرپذیری از محیط اجتماعی است. همچنین نقش شهرداری ها در پیشگیری از جرایم تصرف عدوانی و انتقال مال غیر از طریق تسهیل صدور مجوز دیوارکشی در اراضی خصوصی و دولتی، قابل توجه است. مضافاً اینکه توجه به طراحی فضاهای عمومی همچون پارکها و در نظر گرفتن آداب و رسوم و عقاید مذهبی نیز از این مهم بی بهره نیست. مدیریت های جهاد کشاورزی و ادارات منابع طبیعی بعنوان دیگر دستگاههایی که طرف دعوی تعداد قابل توجهی از پرونده های کیفری می باشند با اتخاذ تصمیمات مناسب و کارآمد و اجرای طرحها و تامین مایحتاج ضروری روستائیان و عشایر می‌توانند در پیشگیری از جرم مؤثر واقع گردند.

نظریه CPTED بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرایم ارتكابی در محیط ساخته شده پیشگیری کرد. این فرایند، "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط" نامیده می‌شود. این پیشگیری، شاخه‌ای از رهیافت‌های مکانیکی در پیشگیری از جرم است که بر این باور است که مجرم ارتكاب جرم را انتخاب می‌کند، جرم معلول فرصت است، مجرم فردی عقلانی است و جرم انتخابی عقلانی است و تاثیر گذاشتن بر عوامل وضعی راحت‌تر از تغییر و مبارزه با ضعف‌های بشری و اصلاح شخصیت افراد است. در نتیجه راه‌حل مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را کم کردن فرصت‌های مجرمانه می‌داند.

نظریه CPTED را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: "طراحی مناسب و کاربری موثر از محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود." به عبارت دیگر طراحی مناسب و استفاده‌ی درست از محیط می‌تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و ترس از جرم را کاهش دهد.

مجرمان با توجه به اوضاع و شرایط حاکم بر محل وقوع جرم و با توجه به فقدان عوامل پیشگیری‌کننده از جرم همچون تجهیزات امنیتی، تاریکی شب به عمل مجرمانه اقدام می‌نمایند. بنابراین با توجه به ذهنیت مجرمان و اینکه آنها در انجام عمل مجرمانه به کلیه ابعاد آن توجه می‌کنند، لذا هرگونه استراتژی پیشگیری می‌باید ذهنیت مجرمان را مورد توجه قرار دهد. به عبارت دیگر عمل پیشگیرانه بایستی به گونه‌ای طراحی شود که بتواند راه‌های فرار را بر مجرمان ببندد و آنان را با محدودیت مواجه کند. پیشگیری از طریق طراحی محیطی نیز ضمن توجه به این مساله، سعی دارد تا از طریق تغییر کاربری اراضی به پیشگیری از جرایم پردازد.

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی تلاش می‌کند تا از طریق استفاده بهینه و برنامه‌ریزی شده از فضاها، برای پیشگیری از جرم گام بردارد و به همین منظور برنامه‌های کاربری اراضی را در دستور کار خود قرار داده است. این برنامه‌ها قصد دارند تا از طریق طراحی مناسب فضا، شرایط را برای ارتكاب جرم مجرمان سخت‌تر و این شرایط را از طریق نظارت مستمر و مناسب بر روی مجرمان بالقوه فراهم کنند. چنانچه طراحان محیط شهری و شهرسازان و پلیس بتوانند ارتباط مفید و مستمری با یکدیگر

داشته‌باشند و در زمینه ساخت فضاها به یکدیگر کمک نمایند، شاهد کاهش چشمگیری در نرخ‌هایم بود. به همین منظور و برای تغییر و طراحی محیطی، اقدامات و فعالیت‌های زیر مفید به نظر می‌رسند:

* پروژه نورپردازی خیابان‌ها و مناطق تاریک بایستی در دستور کار شهرداری‌ها قرار گیرد و لازم است که در این زمینه پلیس به شناسایی مناطق جرم‌خیز بپردازد و در این زمینه پیشنهاد مفیدی به شهرداری ارائه نماید.

* از بین بردن حصارها و دیوارهایی که مانع رؤیت کامل پیاده‌روها می‌شود، همچون شمشادها که در برخی مواقع ارتفاع آنان زیاد می‌شود و همین ارتفاع زیاد باعث مخفی شدن مجرمین از دید ناظرین می‌شود.

* تعبیه دوربین‌های مدار بسته در مکان‌های شلوغ همچون پاساژها و مراکز خرید تا از این طریق افراد تحت نظارت باشند.

* قرار دادن دوربین در سر چهارراه‌ها به منظور کنترل متخلفین و مرتکبین جرایم رانندگی*. عدم جاگذاری و نصب دستگاه‌های خودپرداز در فضاهایی که دارای عقب‌نشینی و تورفتگی دیوارها می‌باشند.

* نصب چراغ و روشنایی کافی در داخل پل‌های عابر پیاده و عدم نصب تبلیغات و پوسترها بر روی دیوارهای افقی و جانبی پل‌های هوایی.

فهرست منابع فارسی

۳. پرادل، ژان (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه‌های کیفی، ترجمه علی حسین نجفی ابراندآبادی، چ اول، تهران، سمت.
۴. پودرآتچی، مصطفی (۱۳۷۲)، فضاهای بدون دفاع، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حسین بحرینی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۵. پور احمد، احمد، محمد تقی رهنمایی و محسن کلانتری (۱۳۸۲)، "بررسی جغرافیایی در شهر تهران"، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۲۴.
۶. چایلد، باری گود (۱۹۷۳)، "طراحی مسکن، فرم شهر و توسعه پایدار"، ترجمه ایرج اسدی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵۴.
۸. رحمت، محمد رضا (۱۳۸۵)، نقش معماری و شهرسازی در پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
۹. رضازاده، مرضیه (۱۳۸۱)، "بحران ادراکی-رفتاری در فضای شهری"، مجله شهرداری، ویژه‌نامه طراحی شهری، شماره ۳۲.
۱۰. رفیعیان، مجتبی و مهسا سیفلی، (۱۳۸۵)، "فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی"، نشریه هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۳۲.
۱۱. زمیل، گئورگ (۱۳۷۲)، "کلانشهر و حیات ذهنی"، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، شماره سوم، (۶).
۱۲. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۶)، "نقش آسایش محیطی فضاهای شهری در پیشگیری از ناهنجاری‌های رفتاری"، محیط‌شناسی، سال سی و سوم، شماره ۴۴.
۱۳. صفاری، علی (۱۳۸۰)، "مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم"، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳-۴۳.
۱۴. رنجبری، علی (۱۳۸۰)، "انتقادات وارده بر پیشگیری وضعی"، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۳-۶۳.
۱۵. طالبی، ژاله (۱۳۸۳)، "روابط اجتماعی در فضاهای شهری"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴۲.
۱۶. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵)، "مفهوم حسن مکان و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن"، نشریه هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۶۲.
۱۷. قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶)، "راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی"، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۵۱.
۱۸. کلارک، رونالد (۱۳۸۴)، "بستن کوچه‌ها و معابر و کاهش جرم"، ترجمه مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره ۴۰.

۱۹. کوسن، موریس (۱۳۸۴)، "نظارت ویدئویی؛ دلایل موفقیت و شکست"، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله علوم اسلامی رضوی، شماره ۵۱-۴۱.
۲۰. گسن، ریموند (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، چ اول، تهران، مجد.
۲۱. پناهی، رضا (۱۳۷۶)، "روابط پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری"، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹۱-۰۲.
۲۲. مرتضایی، رضا (۱۳۸۱)، "طراحی ابزار مقابله با تخریب‌گرایی) وندالیسم (در محیط شهری"، مجله شهرداری، سال سوم، شماره ۵۲.
۲۳. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، "روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری"، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۱۰.
۲۴. معینی، سید محمد (۱۳۸۵)، "افزایش قابلیت پیاده‌مداری، گامی به سوی شهری انسانی‌تر"، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۷۲.
۲۵. مونتسکیو، شارل لویی (۱۳۶۲)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، انتشارات امیر کبیر.
۲۶. نجفی، ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. نجفی، ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷)، "بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل بزهکاری"، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۲۲.
۲۸. نقی‌زاده محمد (۱۳۸۱)، "تاثیر معماری و شهرسازی بر ارزش‌های فرهنگی"، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۱۱.
۲۹. ویلسون جمیز و کلینگ، جرج (۱۳۸۲)، "نظریه پنجره‌های شکسته"، ترجمه محمد صدری توحیدخانه، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۴.
۳۰. ویلیامز فرانک و ماری مک شین (۱۳۸۳)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه محمد رضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، میزان.